

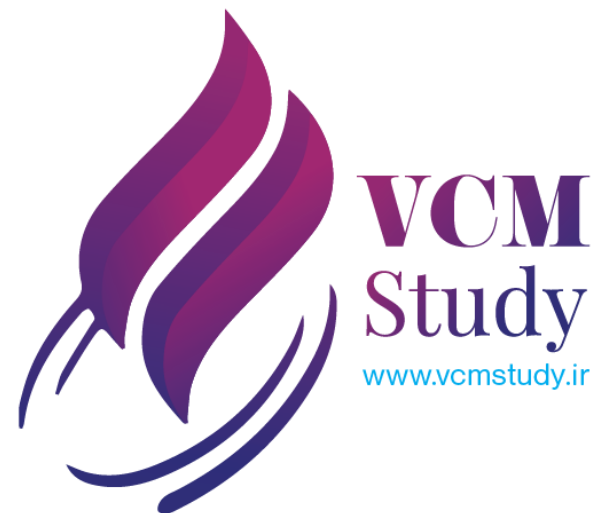


[www.vcmstudy.ir](http://www.vcmstudy.ir)

یادداشت  
نفت و گاز

# تأمین سرمایه در کوتاهمدت، پیش نیاز کاهش خام فروشی در بلندمدت

تاریخ انتشار: ۲۳ مرداد ۱۴۰۰





## تأمین سرمایه در کوتاهمدت، پیش نیاز کاهش خام فروشی در بلندمدت

از ابتدای دهه ۱۳۹۰ و با شدت گرفتن مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها، لزوم تغییر در منابع درآمدی کشور که بر پایه صادرات نفت بنا شده بود، مورد توجه بیشتر مسئولین و برنامه‌ریزان کشور قرار گرفت. هر چند این مهم از سال‌های قبل و به صورت متمادی در سیاست‌های ابلاغی و قوانین بالادستی مورد تأکید قرار گرفته است. به همین جهت و به منظور تبیین هر چه بهتر اهمیت این موضوع، در سال ۱۳۹۲، سیاست‌های «افزایش صادرات پتروشیمی» و «افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی» با هدف مقابله با ضربه‌پذیری درآمد حاصل از صادرات نفت و گاز طبیعی و همچنین «افزایش ارزش افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز»، در قالب «[سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی](#)» ابلاغ شد که حرکت به سمت کاهش خام‌فروشی نفت را دنبال می‌کرد. ادامه تحریم‌های بین‌المللی و تبعات اقتصادی آن، موجب تقویت و گسترش ایده توقف خام‌فروشی نفت در میان مسئولان و کارشناسان کشور گردید و نهایتاً «توقف خام‌فروشی نفت تا ۱۵ سال از زمان شروع اجرا» به عنوان هدف اقتصادی کشور در «[الگوی پایه‌ی اسلامی ایرانی پیشرفت](#)» گنجانده شد.

بدون شک دستیابی به هدف کاهش خام‌فروشی کار آسانی نیست و مستلزم فراهم آمدن زیرساخت‌های نرم‌افزاری و سخت‌افزاری گوناگونی است. در زمینه زیرساخت‌های نرم‌افزاری تاکنون اقداماتی از جمله ابلاغ سیاست‌ها، تدوین قوانین به‌ویژه در خصوص اعطای معافیت‌های مالیاتی به تولیدکنندگان محصولات با ارزش افزوده، اعمال تعرفه بر صادرات کالاهای خام و همچنین ارائه تنفس در پرداخت هزینه‌های خوراک مجتمع‌های پتروپالایشی و اقداماتی از این قبیل انجام‌گرفته است. اما در زمینه الزامات بنیادی (خوراک، فناوری، سرمایه و بازار) و سخت‌افزاری، بدون تردید تأمین سرمایه ارزی و ریالی مورد نیاز برای احداث و توسعه پالایشگاه‌ها، پتروشیمی‌ها و تکمیل زنجیره ارزش، مهم‌ترین بخش کار را تشکیل می‌دهد.

برای برنامه‌ریزی جهت کاهش خام‌فروشی، در گام اول باید برآوردی از میزان تولید نفت در افق پیش رو انجام شود. در حال حاضر [ظرفیت تولید نفت ایران](#) در حدود ۴.۲ میلیون بشکه در روز برآورد می‌شود (این در واقع ظرفیت تولید است، چرا که مقدار واقعی تولید به دلیل کاهش تکلیفی تولید ناشی از تحریم، از این مقدار کمتر می‌باشد) و شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی نیز ظرفیت پالایشی کشور در سال ۱۳۹۹ را ۲.۳ میلیون بشکه در روز اعلام کرده است. در خصوص ظرفیت تولید در افق پیش رو، با توجه به روندهای فعلی و چشم‌انداز موجود، چند سناریو می‌توان طرح کرد که در این یادداشت به دو مورد از سناریوها اشاره شده است.



## تأمین سرمایه در کوتاهمدت، پیش نیاز کاهش خام فروشی در بلندمدت

در سناریوی اول که بر اساس ادامه شرایط فعلی تدوین شده است، به علت ادامه تحریمها، کشور با کاهش صادرات نفت و محدودیت‌های شدید در جذب سرمایه‌گذاری خارجی مواجه خواهد بود. این وضعیت سبب آن می‌شود که انگیزه و توان مالی برای ارتقای ظرفیت تولید نفت وجود نداشته باشد. اما از سوی دیگر ادامه روندهای کنونی در رشد تقاضای حامل‌های انرژی، مصرف داخلی نفت را تا سال ۱۴۱۰ به ۴.۱ میلیون بشکه در روز خواهد رسانید و این اتفاق حفظ ظرفیت تولید در سطح فعلی را ضروری خواهد کرد (برآوردها نشان می‌دهد مصرف نفت در کشور هر سال به میزان ۶٪ رشد خواهد یافت). از آنجا که در چنین شرایطی، واردات بنزین و گازوئیل بسیار چالش‌برانگیز است، خودکفایی در تولید این فرآورده‌ها برای کشور حیاتی خواهد بود. بنابراین در صورت وقوع این سناریو، نیاز به افزایش ۱.۸ میلیون بشکه‌ای برای رساندن ظرفیت پالایشی کشور از ۲.۳ به ۴.۱ میلیون بشکه در روز خواهد بود.

در سناریو دوم که بر پایه‌ی پیش‌فرض رفع تحریمها بنا شده است، دولت برای تأمین اهداف و درآمدهای خود تلاش خواهد کرد تا ظرفیت صادرات نفت را در محدوده ۲ میلیون بشکه در روز حفظ کند. بنابراین تولید نفت تا سال ۱۴۱۰ می‌بایست به ۶.۱ میلیون بشکه در روز ارتقا یابد.

هزینه احداث پالایشگاه در ایران به ازای پالایش هر بشکه ۲۰ هزار دلار و هزینه احداث پتروپالایشگاه به ازای هر بشکه حدود ۴۰ هزار دلار تخمین زده می‌شود. بر اساس این برآوردها، کامل کردن ظرفیت پالایشگاهی به ۳۶ تا ۷۲ میلیارد دلار سرمایه نیاز دارد که البته این ارقام جدا از هزینه‌های جاری وزارت نفت برای تعمیر و نگهداشت تولید، توسعه میادین و توسعه زنجیره ارزش در بخش نفت و گاز است که در شکل زیر نشان داده شده است. شایان ذکر است که بر اساس گزارش [بانک مرکزی](#)، کل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور از سال ۱۳۷۶ تا پایان سال ۱۳۹۸ معادل ۵۰.۶ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است که ۵ سال آینده کشور حداقل به ۵۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری برای تأمین پایدار انرژی خود در بالادست، بخش نیروگاهی و بخش بهینه‌سازی مصرف دارد.



یادداشت

نفت و گاز



## سرمایه مورد نیاز پروژه‌های نگهداشت و توسعه صنعت انرژی (۱۴۰۵-۱۴۰۰)

سرمایه لازم جهت تولید و تبدیل انرژی جهت تأمین امنیت عرضه انرژی کشور که باید توسط دولت تأمین شود



یادداشت

نفت و گاز

سرمایه مورد نیاز تا ۱۴۰۵	مورد سرمایه‌گذاری
۲۵ میلیارد دلار	هزینه بهره‌برداری و استخراج از میادین موجود
۷ میلیارد دلار	تعمیر و نگهداشت میادین موجود - نفت
۸ میلیارد دلار	تعمیر و نگهداشت میادین موجود - گاز
۶ میلیارد دلار	توسعه میادین جدید گازی
۲ میلیارد دلار	نیروگاه برق (ساخت سالانه ۴ گیگاوات)
۱ میلیارد دلار	بدهی به صنعت برق
۵ میلیارد دلار	بهینه‌سازی
<b>۵۴ میلیارد دلار</b>	<b>مجموع</b>



## تأمین سرمایه در کوتاهمدت، پیش نیاز کاهش خام فروشی در بلندمدت

جدا از امکان‌پذیر بودن یا نبودن تأمین این مقدار سرمایه، با وجود حاشیه سود پایین صنعت پالایش و چالش‌های بازاریابی برای فرآورده‌های تولیدی، صرف تبدیل نفت تولیدی به فرآورده، توجیه اقتصاد چندان ندارد و از آنجا که ارزش افزوده چندان ایجاد نمی‌کند، خود نوعی خام‌فروشی محسوب می‌شود. اما نکته مهم آن است که پالایش نفت، اولین حلقه از زنجیره ارزش نفت محسوب می‌شود؛ پس برای دستیابی به ارزش افزوده باید افزایش ظرفیت پالایشی، هماهنگ با توسعه حلقه‌های بعدی زنجیره ارزش انجام گیرد.

اما همانطور که گفته شد چالش اصلی بر سر راه گذر از کاهش خام‌فروشی، موضوع تأمین سرمایه است. به طور کلی دو مسیر برای تأمین مالی پروژه‌های بزرگ صنعت نفت وجود دارد: جذب سرمایه خارجی و تأمین مالی داخلی. آمارها نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری خارجی هیچ‌گاه بیشتر از ۵ میلیارد دلار در سال نبوده و حتی در شرایط تحریم، محدودتر نیز شده است. بنابراین تنها راه پیش رو، استفاده از منابع داخلی شامل صندوق توسعه ملی، تأمین از بازار سرمایه، اوراق مشارکت و غیره است. در همین راستا در سال ۱۳۹۸ قانون «حمایت از توسعه صنایع پایین‌دستی نفت و میعانات گازی با استفاده از سرمایه‌گذاری مردمی»، موسوم به [قانون پتروپالایشگاه‌ها](#)، با هدف تسهیل مشارکت و حمایت از بخش خصوصی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. طبق تکالیف این قانون، دولت موظف است از طریق وزارت نفت نسبت به صدور و بازنگری مجوز طرح‌ها تا سقف دو میلیون بشکه در روز و اعطای تنفس خوراک، از سرمایه‌گذاران بخش غیردولتی برای جذب سرمایه‌گذاری مردمی حمایت کند. تصویب این قانون می‌تواند راهگشای حرکت در مسیر کاهش خام‌فروشی باشد اما اجرا شدن آن درگرو رفع مشکل تأمین منابع ارزی برای بخش خصوصی است (هر چند طراحی و ساخت پتروپالایشگاه‌هایی با حداکثر ۱۰٪ نفت کوره نیز نیازمند به کارگیری فناوری‌های پیشرفته است که باید در این خصوص نیز تمهیدات لازم را صورت داد).

از میان منابع مالی داخلی، در سال‌های گذشته صندوق توسعه ملی مهم‌ترین نهاد در تأمین سرمایه پروژه‌های صنعت نفت و گاز بوده است. [صندوق توسعه ملی](#) در سال ۱۳۸۹ به‌جای صندوق ذخیره ارزی و باهدف «تبدیل بخشی از عواید ناشی از فروش نفت و گاز و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی به ثروت‌های ماندگار، مولد و سرمایه‌های زاینده اقتصادی و نیز حفظ سهم نسل‌های آینده از منابع نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی» تشکیل شد. مهم‌ترین منابع درآمدی صندوق توسعه ملی شامل سهم صندوق از درآمد حاصل از فروش نفت و میعانات گازی، خالص صادرات گاز و بازده سرمایه‌گذاری‌های انجام‌شده توسط صندوق است.



یادداشت

نفت و گاز



## تأمین سرمایه در کوتاهمدت، پیش نیاز کاهش خام فروشی در بلندمدت

صندوق توسعه ملی در طول فعالیت خود ۲۱.۸ میلیارد دلار تسهیلات پرداخت کرده است. از این مقدار ۴۴٪ به بخش استخراج و انتقال نفت و گاز و ۲۰٪ به صنایع پالایش و پتروشیمی (۷ طرح پالایشی و ۵۴ طرح در بخش پتروشیمی) اختصاص یافته که نشان‌دهنده اهمیت فعالیت صندوق در توسعه صنعت نفت و نقش فعال آن در کاهش خام فروشی است. بنابراین در شرایط کنونی که تأمین سرمایه، کلید حرکت در مسیر کاهش خام فروشی محسوب می‌شود و انجام آن از مسیرهای دیگر با موانع متعددی روبرو است، بهترین گزینه، تأمین بخشی از سرمایه مورد نیاز با استفاده از ظرفیت صندوق توسعه ملی خواهد بود. اما آنچه در خصوص عملکرد صندوق قابل‌تأمل است آن است که توزیع پرداخت تسهیلات در سال‌های مختلف یکنواخت نبوده است. در حالی که ۲۳٪ از مجموع تسهیلاتی که صندوق در مدت فعالیت خود پرداخته کرده در سال ۱۳۹۶ کارگزاری شده، کمتر از یک درصد از این منابع در سال ۱۳۹۹ پرداخت شده و علت این عدم توازن، اختلال در فرآیند عادی صندوق به علت تحریم‌های ظالمانه علیه کشور و کاهش صادرات نفت و در نتیجه کاهش درآمدهای صندوق بوده است. در واقع ارائه تسهیلات توسط صندوق منوط به صادرات نفت است به طوری که کاهش یا توقف صادرات نفت، فعالیت‌های صندوق را با اختلال مواجه می‌کند.

برای حل این مشکل باید تلاش کرد تا درآمدهای صندوق افزایش یافته و جریان آن پایدار شود و این کار تنها از طریق افزایش صادرات نفت و پرداخت سهم صندوق امکان‌پذیر است. در واقع توقف یا کاهش صادرات نفت در شرایط کنونی، نه تنها کشور را به اهداف تعیین‌شده شامل «افزایش صادرات پتروشیمی»، «افزایش صادرات فرآورده‌های نفتی» و «افزایش ارزش‌افزوده از طریق تکمیل زنجیره ارزش صنعت نفت و گاز» نمی‌رساند، بلکه موجب از دست دادن بازارهای جهانی و از دست رفتن منابع نفتی در رقابت تولید از منابع مشترک نفتی و گازی می‌گردد.

بر اساس شکل زیر، با صادرات ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز (با نرخ ۵۰ دلار به ازای هر بشکه)، طی ده سال آینده، ۵۰ میلیارد دلار سرمایه به صندوق توسعه ملی تزریق می‌شود. از این مقدار سهم بخش پالایش بر اساس عملکرد گذشته صندوق، ۸ میلیارد دلار، یعنی برابر افزایش ۲۰۰ هزار بشکه‌ای ظرفیت پتروپالایشی خواهد بود. در صورت افزایش صادرات نفت تا ۲ میلیون بشکه در روز، طی ۱۰ سال آینده ۱۶۰ میلیارد دلار منابع به صندوق توسعه ملی تزریق خواهد شد و سهم صنعت نفت به ۱۰۴ میلیارد دلار افزایش می‌یابد که موجب تسریع همزمان در افزایش ظرفیت تولید و کاهش خام‌فروشی خواهد شد.



یادداشت

نفت و گاز





## برآورد تسهیلات اعطایی صندوق توسعه ملی به صنعت نفت و گاز در دهه آتی



یادداشت

نفت و گاز

استمرار تحریم با محدودیت صادرات تا سطح		صادرات مطابق ظرفیت تولید کشور	ارقام به میلیارد دلار است.	
1 Mbbl/d	0.5 Mbbl/d			
۱۰۰	۵۰	۱۶۰	پیش بینی کل منابع جدید درآمدی صندوق در ده سال آینده	
۴۴	۲۲	۷۰٫۴	استخراج و انتقال نفت و گاز	
۱۶	۸	۲۵٫۶	پالایشگاه نفت و گاز	
۲	۱	۳٫۲	پتروشیمی (بالادستی)	
۳	۱٫۵	۴٫۸	پتروشیمی (پایین دستی)	
۶۵	۳۲٫۵	۱۰۴	مجموع	



Source: VCMStudy Analytics

VCMStudy.ir



www.vcmstudy.ir





**مرکز مطالعات زنجیره ارزش** معتقدست که برای تأمین سرمایه به عنوان یکی از مهم‌ترین موانع کاهش خام‌فروشی در کشور، می‌بایست ساز و کار منطقی و صد البته قابل اتکایی را طراحی و اجرایی کرد. در کنار بهره‌گیری از تأمین مالی خارجی به شیوه‌های مختلف، باید منابع ورودی به صندوق توسعه ملی را از طریق فروش نفت و میعانات پایدار کرد و افزایش داد. برای این کار لازم است در یک برنامه‌ریزی بلندمدت و حساب‌شده تلاش کرد که از طریق افزایش منطقی تولید و صادرات نفت، در کوتاه و میان مدت منابع صندوق را افزایش داد. تحقق این مهم، منابع ارزی مورد نیاز برای تحقق کاهش خام‌فروشی و توسعه مجتمع‌های پتروپالایشگاهی و تکمیل زنجیره ارزش را فراهم خواهد کرد و بدین ترتیب، حرکت در مسیر کاهش خام‌فروشی، در بلندمدت تسهیل و تسریع می‌شود. در غیر این صورت، با توجه به مشکلات موجود بر سر راه جذب سرمایه‌های خارجی، در صورت توقف صادرات نفت و یا پرداخت‌نشدن سهم صندوق توسعه ملی عملاً توسعه صنعت نفت و کاهش خام‌فروشی در بلندمدت ناممکن خواهد بود. شایان ذکر است که صادرات نفت تا زمان فراهم‌شدن زیرساخت‌های لازم برای کاهش خام‌فروشی، علاوه بر ایجاد درآمد و تأمین سرمایه برای کشور، می‌تواند به حفظ بازارهای صادراتی کمک کرده و مانع از دست رفتن منابع نفتی و گازی مشترک در رقابت با کشورهای همسایه شود. با این توصیفات می‌توان گفت که در شرایطی که امکان جذب سرمایه خارجی برای توسعه صنعت نفت ایران با عدم قطعیت‌های فراوانی همراه است، تأمین سرمایه از طریق ادامه صادرات نفت و به کارگیری سازوکار صندوق توسعه ملی نه تنها خام‌فروشی محسوب نمی‌شود، بلکه مؤثرترین راه برای حصول نتیجه و حرکت در مسیر کاهش خام‌فروشی نفت خواهد بود. هر چند باید این موضوع را نیز مورد توجه داشت که سهم صندوق توسعه ملی از درآمدهای حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی می‌بایست مطابق قوانین بالادستی رعایت گردد و سایر درآمدهای حاصله نیز تا جای ممکن وارد پروژه‌های عمرانی و زیرساختی دولت شود تا بتواند شرایط توسعه و ارتقای کشور را تسهیل نماید.





[www.vcmstudy.ir](http://www.vcmstudy.ir)

امیدواریم از مطالعه این سند، استفاده مفید برده باشید  
نقطه نظرات، انتقادات و پیشنهادات خود را از طریق ایمیل زیر با ما در میان بگذارید  
[VCMStudy@gmail.com](mailto:VCMStudy@gmail.com)